

مجموعه افسانه‌های ایرانی

دفتر پنجم

www.ketab.ir

گردآوری و بازنویسی:

زهرا مهاجری

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
فروست
شابک
یادداشت
یادداشت
یادداشت
یادداشت
موضوع
شماره افزودن
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

: مهاجری، زهرا، ۱۳۳۰-، گردآورنده
: مجموعه افسانه‌های ایرانی : زهرا مهاجری .
: مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به‌نشر، ۱۳۸۶-
: ج.
: انتشارات آستان قدس رضوی، به‌نشر: ۷۹۹، ۷۲۹، ۸۰۰، ۱۳۷۱.
: ۱۴۰۰۰ ریال: ج. ۱، چاپ دوم: ۵-۹۵۸-۰۲-۹۶۴-۹۷۸
: ۱۴۰۰۰ ریال: ج. ۲، چاپ دوم: ۵-۵۵۷-۰۲-۹۶۴-۹۷۸
: ۱۴۰۰۰ ریال: ج. ۳، چاپ دوم: ۲-۹۵۹-۰۲-۹۶۴-۹۷۸
: ج. ۲، چاپ سوم: ۱۰۰۰۰ ریال
: ج. ۳، چاپ سوم: ۵-۹۵۸-۰۲-۹۶۴-۹۷۸
: ج. ۱ (چاپ سوم: ۱۳۸۷)
: ج. ۲ (چاپ دوم: ۱۳۸۶)
: ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۸۵) (فیا)
: ج. ۴ (چاپ سوم: ۱۳۸۷)
: ج. ۵ (چاپ اول: ۱۳۹۰) (فیا)
: افسانه‌ها و قصه‌های ایرانی
: شرکت به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)
: ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۷۲۹-۱۳۷۱ PIR
: ج. ۱ ۲۰۹۵۵
: ۱۲۲۱۶۱۰



انتشارات به‌نشر

۱۳۷۱

مجموعه افسانه‌های ایرانی (دفتر پنجم)

گردآوری و بازنویسی: زهرا مهاجری

چاپ اول - ۱۳۹۰

۲۰۰۰ نسخه - وزیری

چاپ: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی - به‌نشر

شابک: ۹-۱۶۹۸-۰۲-۹۶۴-۹۷۸

حق چاپ محفوظ است.

مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی - به‌نشر

دفتر مرکزی: مشهد، ص. پ. ۹۱۳۷۵، ۱۵۷، ۹۱۳۷۵، تلفن: ۰۵۱-۷۶۶۵۰۰۱۳، فاکس: ۷۶۵۲۰۰۰

دفتر تهران: ۸۸۹۶۴۲۰، ۸۸۹۶۲۳۰۱، ۸۸۹۶۵۹۸۱، شماره

دروس: www.behnashr.com پست الکترونیک: publishing@behnashr.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مندرجات

هـ	 سخنی با خوانندگان
ی	 مقدمه
۱	 ۱- شاه و غلام سیاه
۴	 ۲- روباه و کلاغ
۶	 ۳- همراه و بلبل گیاه
۱۰	 ۴- شاه عباس و پیرمرد
۱۵	 ۵- سلیم جواهر فروش
۲۰	 ۶- تاجر و عقرب سیاه
۲۳	 ۷- هفت رند اصفهان
۲۹	 ۸- لعل و دُر
۳۶	 ۹- دوستی پیرمرد و شیر
۳۹	 ۱۰- باغ گل
۴۳	 ۱۱- افسانه سه برادر
۴۶	 ۱۲- تاجر زیرک
۵۱	 ۱۳- قورباغه سبز و پسر پادشاه
۶۱	 ۱۴- جوان نیکوکار
۶۵	 ۱۵- مورچه خاک به سر
۶۸	 ۱۶- چهل دختر

- ۱۷- دیو و سه دختر ۷۵
- ۱۸- بردو ۸۰
- ۱۹- دختر قالیباف ۸۶
- ۲۰- همسایه طمع کار ۸۹
- ۲۱- حاکم جوان و دختر باهوش ۹۲
- ۲۲- کلید علم ۹۷
- ۲۳- سزقا و بی بی نگار ۹۹
- ۲۴- ابراهیم چوپان ۱۰۳
- ۲۵- کبوتر بخت ۱۱۲
- ۲۶- پادشاه و سه دزد ۱۱۶
- ۲۷- استا زینل قصاب ۱۱۹
- ۲۸- قلندر خانم ۱۲۵
- ۲۹- زن رخت شوی ۱۳۴
- ۳۰- گلخنی ۱۳۷

سخنی با خوانندگان

افسانه یا همان «قصه تخیلی» و یا «قصه جن و پری» یکی از انواع قصه‌هاست که در آن، واقعیتهای زندگی در کنار ماجراهای عجیب و غیر واقعی، بیان می‌شود. این قصه‌ها نویسندگان مشخصی ندارند؛ بلکه از بطن جامعه می‌رویند و رشد می‌کنند. افسانه‌ها بیانگر آرزوها، حکمتها و تدابیر زندگی هستند که انسانها در هر دوره آنها را در ذهن خود پروراند و در صدد انتقال تجربیات به هموعان خود برآمده‌اند. روند کلی آنها به گونه‌ای است که گویی نیروهای طبیعی و ماورای طبیعی، دست به دست هم داده‌اند تا پیروزی را از آن خیر و نیکی سازند و هر آنچه بدی و شرّ است نابود کنند. بدین جهت است که خواننده افسانه، در پایان قصه با اطمینان از اینکه حق همیشه پیروز است و دزدگری بر بیداد و ستم، وفاداری بر خیانت و خیر بر شرّ غلبه خواهد کرد، نفسی به راحتی می‌کشد و گویی انرژی مثبتی وجودش را فرا گرفته، با شوق و امید بسیار، به قلمرو آینده وارد می‌شود.

افسانه‌های ایرانی، جزئی از فرهنگ ملی ماست و از آنجا که به صورت شفاهی و سینه به سینه نقل شده و به دست ما رسیده است، چنانچه در قالب کتاب و به صورت مکتوب، ثبت نشود، بتدریج از میان خواهد رفت.

این مسأله، یکی از عوامل و انگیزه‌های نگارنده در اقدام به گردآوری و بازنویسی افسانه‌های ایرانی بوده است. عامل دیگر، نیاز کودکان و نوجوانان ما به خواندن افسانه‌ها و قصه‌های تخیلی است و توجه به این نکته مهم که افسانه‌ها به نحوی نوشته و تدوین شود که مطالعه آن، دلبذیر و آسان باشد و کودکان و نوجوانان را به کتابخوانی تشویق کند.

روند چاپ و نشر مجموعه چهار جلدی «افسانه‌های ایرانی» که از سال ۱۳۸۰ با انتشار جلد اول آغاز شد و تا کنون ادامه دارد و نیز استقبال خوانندگان از هر سن و سال، جنسیت، فرهنگ و میزان سواد، نمایانگر سادگی، صمیمیت، روانی و جذابیت اثر و زبان «مجموعه افسانه‌های ایرانی» است.

قابل ذکر است، افسانه‌ها مخصوص قشر یا گروه خاصی نیست. از کودک و نوجوان گرفته تا افراد میانسال و سالمند، هر یک افسانه مناسب خود را در این مجموعه خواهند یافت.

طبق نظر علمای تعلیم و تربیت، از آنجا که در افسانه‌ها، واقعیت و تخیل در هم آمیخته است، بهترین سن استفاده از آنها، پس از ۸ سالگی است؛ یعنی زمانی که کودک مرز میان واقعیت و تخیل را تشخیص می‌دهد.

در مورد کودکان خردسال (گروه الف) هم می‌توان با تغییر دادن یا حذف صحنه نامناسب و احیاء ترسناک یک افسانه، با آرامش خیال آن را برایشان بازگو کرد. علاوه بر این، در هر مجلد از این مجموعه، چند افسانه ساده و کودکانه نیز گنجانده شده است، مانند:

۱- پره‌ای جادویی، گنجشک بهانه‌گیر، خرپه طلایی، عروس خوشگل و پیرزن عاقل (دفتر اول)

۲- ماچوچه و کلاغ، کدوی قلقله زن، فاطمه ماه‌بشانی، حسن کچل (دفتر دوم)

۳- سه آدم کوتوله، خروس مهربان، زن تاجر، خاله کشکول‌رک (دفتر سوم)

۴- ننه خمیری، الاغ با سواد، مرد دانا و غول نادان، زن بابای مهربان (دفتر چهارم)

مطمئناً خوانندگان این مجموعه، تعدادی از این افسانه‌ها را قبلاً در شکل‌های مختلف شنیده یا خوانده‌اند، ولی همین افراد، با علاقه و اشتیاق فراوان، چنانکه گویی آشنایی دیرین را باز یافته‌اند، افسانه‌ها را می‌خوانند و تا کتاب را تمام نکنند، آن را زمین نمی‌گذارند و صرف نظر از اینکه تحصیل کرده باشند یا کم سواد، سالمند باشند یا میانسال یا جوان، زن باشند یا مرد، خانم خانه‌دار یا مربی مهد کودک، در لذت حاصل از این مطالعه، شریک و سهیم هستند. اظهار نظر برخی از خوانندگان این مجموعه، قابل توجه است.

۱- آقای محمد نوایی، دبیر بازنشسته آموزش و پرورش:

به خاطر دارم وقتی جلد اول «مجموعه افسانه‌های ایرانی» تازه چاپ شده بود، نسخه‌ای از آن را تهیه کردم و به خانه بردم و تا زمانی که همه افسانه‌ها را نه‌بندم، به خواب نرفتم، هر چند دیر وقت شده و پاسی از شب گذشته بود.

۲- خانم خ- نادری‌خو، مربی پیش دبستانی:

کودکان داستانهای تخیلی و افسانه‌ای را خیلی دوست دارند. گاهی اوقات قصه‌هایی را که در ذهن خودم ساخته بودم، برای آنها قصه‌گویی می‌کردم. بعد از این که خوب گوش می‌کردند، خودشان هم ماجراهایی را که در روز، برای آنها اتفاق افتاده بود، به صورت قصه تعریف می‌کردند؛ یا خوابهایی را که دیده بودند، به شکل قصه می‌گفتند که در این میان «رضا رحمانی» و «صالح داوودی»، قصه‌های بهتر و جالب‌تری می‌گفتند. تجربه نشان داده پسر بچه‌ها افسانه‌های جنگجویان و غول و ازدها را بیشتر دوست دارند. به طوری که هر وقت از این نوع قصه‌ها برای آنها می‌گفتم، از من می‌پرسیدند، آخرش کی برنده شد؟ غول چراغ جادو چه شد و کجا رفت؟ اما دختر بچه‌ها افسانه‌های پریان و موضوعات خانوادگی و عاطفی را بیشتر دوست دارند و همیشه در پایان قصه می‌پرسند چه کسی با او آشتی کرد؟ کجا رفتند؟ یکی از بچه‌ها به نام «سپیده مهماندوست» همیشه دوست دارد افسانه «سیندرلا» را تعریف کنم چون در آخر قصه، «سیندرلا» سوار درشکاهی با اسبهای سفید می‌شود و لباس قشنگ می‌پوشد و به مهمانی می‌رود.

۳- خانم ز- عسکری، دانشجوی تربیت مربی کودک:

از وقتی دخترم کودک خردسالی بود، برایش قصه می‌گفتم و الان که ده ساله و دانش‌آموز کلاس چهارم است، این افسانه‌ها را خیلی دوست دارد و شبها تا یک یا چند افسانه نخواند، خوابش نمی‌برد. ضمناً، باید بگویم که افسانه‌ها باعث شده روابط ما با یکدیگر بهتر از گذشته شود.

همچنین، ایشان خاطره‌ای را در ارتباط با استفاده از افسانه‌ها بیان می‌کند:

یک روز کتاب «مجموعه افسانه‌های ایرانی» را برای دختر عمه‌ام که در بخش

اعصاب بیمارستان قائم بستری شده بود، بردم و یکی از داستانها را برایش خواندم. نیم ساعتی گذشته بود که یکی از خانمهای خدمه بیمارستان برای نظافت وارد اتاق شد و ناچشمش به کتاب که روی میز بود، افتاد؛ آن را برداشت. اول اسم کتاب و بعد افسانه اول و دوم و... را شروع کرد به خواندن و چنان غرق در خواندن بود که متوجه نشد از اتاق پرستاران صدایش می‌کنند توجه همه مریضها به این خانم جلب شده بود و همگی زدند زیر خنده در حالی که او جارو را به دیوار تکیه داده و همان طور ایستاده، غرق در خواندن بود.

۴- خانم ایرانی، پزشک عمومی:

«مجموعه افسانه‌های ایرانی»، درخانه ما خیلی طرفدار دارد. دخترم در کلاس اول راهنمایی و پسر، در کلاس چهارم ابتدایی، درس می‌خوانند و هر دو نفر «مجموعه افسانه‌های ایرانی» را چندین بار خوانده‌اند و خیلی دوست دارند. پسر، دائماً سراغ جلد بعدی (دفتر پنجم) افسانه‌ها را می‌گیرد، چون آن قدر این افسانه‌ها را خوانده که تقریباً حفظ شده است.

احساس می‌کنم، پسر «مجموعه افسانه‌های ایرانی» را بیشتر از سایر کتاب قصه‌ها و خواندنی‌های خودش، دوست دارد.

۵- خانم خادم ازغدی، مدرس تربیت معلم:

به نظر من، کودکان و نوجوانان از طریق مطالعه افسانه‌ها، با نکته‌های مهمی از زندگی فردی و اجتماعی به طور غیر مستقیم آشنا می‌شوند که در نهایت موجب درک بهتر و آشنایی بیشتر آنها با فرهنگ ملی ما ایرانیها خواهد شد.

تلاش شما در زمینه گردآوری و تدوین این مجموعه، در واقع قدم مهمی است در جهت حفظ این افسانه‌ها و زنده کردن آنها. امروزه شاهد هستیم که اوقات فراغت کودکان و نوجوانان ما با بازیهای رایانه‌ای و تماشای انواع فیلم پر می‌شود و چنانچه این داستانها جمع‌آوری و حفظ نشود، این گوشه از فرهنگ قومی ما از بین خواهد رفت. در واقع، این جنبه از کار شما بسیار مهم است.

به علاوه، این مجموعه افسانه‌ها، جذاب و جالب بوده و بیانی شیوا و شیرین دارند. عبارتهای پایانی افسانه‌ها هم بسیار جالب و امید بخش است. هر گاه مطالعه

افسانه‌ای را به پایان می‌برم، آرامش خاصی پیدا می‌کنم.

۶- خانم طاهایی، کارشناس آموزش ابتدایی:

به نظر من، این افسانه‌ها بسیار مفید هستند. در واقع، شما با این کار خود، یک فرهنگ مرده را زنده می‌کنید و نسل به نسل، انتقال می‌دهید. هر یک از ما وقتی این افسانه‌ها را برای بچه‌ها تعریف می‌کنیم، اصرار نداریم که همه مطالب داستان در ذهن کودک باقی بماند، ولی همیشه نکته‌هایی از این افسانه‌ها در ذهن او می‌ماند که باعث تثبیت یا تغییر رفتار وی خواهد شد. آموزگاران و مربیانی که در امر تعلیم و تربیت کودکان موفق هستند، معمولاً از این افسانه‌ها استفاده می‌کنند و از طریق نقل آنها، می‌کوشند نکات مثبت و یا منفی رفتار کودک را به‌طور غیرمستقیم به او گوشزد کنند. زیرا همه می‌دانیم کودکان و نوجوانان از اینکه در معرض پند و نصیحت بزرگترها قرار بگیرند، ناراحت می‌شوند و این کار تأثیر خوب و سازنده‌ای بر روی آنان ندارد.

۷- خانم محمدپور، مربی پیش دبستانی:

افسانه‌های این مجموعه خیلی جالب است، بخصوص افسانه‌های پرماجرا که مورد علاقه پسر بچه‌هاست و از آنها بیشتر برای دبستانی‌ها استفاده می‌کنم. بعضی از افسانه‌های ایرانی را که کودکان تر است، برای بچه‌های پیش دبستانی تعریف می‌کنم؛ مثل توپ طلایی، پره‌های جادویی، گل خندان و ... گاهی اوقات در طول روز برای سرگرمی و آرام کردن بچه‌ها، برای آنها افسانه می‌خوانم اما بیشتر شبها موقع خوابیدن برایشان قصه می‌گویم. سعی می‌کنم افسانه‌ها را یاد بگیرم و تقریباً آنها را نیمه حفظ برای بچه‌ها تعریف می‌کنم.

گاهی اوقات، بچه‌ها از من می‌خواهند افسانه‌ای را که قبلاً شنیده‌اند و خیلی دوست دارند، برایشان تعریف کنم. برای مثال، افسانه «دروغ‌های شاخدار». البته، من از هر سه جلد افسانه‌ها استفاده می‌کنم. گاهی، شبها اگر احساس خستگی کنم، از بچه‌ها می‌خواهم خودشان قصه بگویند. یادم هست یک بار یکی از آنها افسانه «کدوی قلقله زن» را تعریف کرد که خیلی جالب بود.

مقدمه

قصه به عنوان بخش مهم از فرهنگ هر قوم و ملتی از ابزار مهم تعلیم و تربیت به شمار می‌رود. انواع مختلف قصه‌ها (تمثیلی، تاریخی، مذهبی، حماسی، فسانه، فکاهی، علمی و اجتماعی) مانند پلی، دنیای افسانه‌ای - تخیلی کودک را به دنیای واقعی بزرگسالان پیوند می‌دهند. علاوه بر این گوش دادن به قصه، خواندن و بازگویی آن توسط کودک، موجب گسترش گنجینه لغات و رشد قوه تکلم کودک می‌شود. به اندیشه وی نظم منطقی می‌دهد و عواطف و احساساتش را لطیف می‌کند. از طریق همین قصه‌هاست که کودک با مشکلات و مسائل زندگی آشنا می‌شود و به رشد اجتماعی مطلوبی دست می‌یابد. همچنین قصه‌ها در ساخت شخصیت اخلاقی و انسانی کودک مؤثر است زیرا در هر قصه شخصیت‌های «خوب» و «بد» با هم درگیرند و کودک با توجه و دقت در گفتار و کردار این شخصیت‌ها بخوبی می‌تواند درست بودن یا نادرست بودن سخنان و اعمال آنها را درک کند و نکته‌های مهمی بیاموزد. از آنجا که اغلب، قهرمان خوب قصه‌های کودکان، در پایان قصه کامیاب می‌شود، کودک از طریق غریزه تقلید و همانند سازی تحت تأثیر شخصیت قهرمان داستان قرار گرفته، از گفتار و کردار او تقلید می‌کند. علاوه بر این گوش دادن به قصه‌ها در سنین کودکی، یکی از راههای انس با کتاب و ایجاد شوق و علاقه به مطالعه در کودک به شمار می‌رود.^۱

موارد بالا ویژگیهای کلی قصه‌های کودکان است اما در مورد افسانه‌ها که مجموعه حاضر را تشکیل می‌دهند، چند نکته دیگر نیز شایان ذکر است که به اختصار به آنها اشاره می‌شود.

۱- «اژده» افسانه در زبان فارسی، به معنی سرگذشت و حکایات گذشتگان به کار رفته و نیز به معنای قصه و حکایتی است که برای هدفی اخلاقی و تربیتی یا تنها برای سرگرم کردن ساخته‌اند. باید دانست که افسانه‌ها، نویسنده مشخصی ندارند و از بطن جامعه می‌رویند و رشد می‌کنند؛ در اغلب آنها ماجراهای غیرواقعی و عجیب در کنار واقعیتهای معمولی زندگی رخ می‌نماید. در این داستانها از موجودات افسانه‌ای نظیر جادوگر، اژدها، غول، دیو، اسب بالدار و... صحبت می‌شود که کارهای خارق‌العاده و شگفت آور از آنها سر می‌زند.

یکی از متخصصان روانشناسی کودک در باره افسانه‌ها می‌گوید: «در طول عمر کودک زمانی وجود دارد که او خود را از افکار و پندارهای سحرآمیز آزاد می‌سازد و به واقعیت رو می‌آورد. این تحول در حدود هفت سالگی به وقوع می‌پیوندد اما در سالهای بعد هنوز آثاری از تخیلات سحرآمیز در کودک دیده می‌شود؛ بنابراین وی نیازمند نوشته‌هایی است که در آنها عوامل سحرآمیز و واقعی با هم آمده باشند». از این رو غالب روانشناسان^۱ مناسبترین سن استفاده از افسانه‌ها را ۸ تا ۱۲ سالگی می‌دانند که کودک مرز میان واقعیت و تخیل را تشخیص می‌دهد.

۲- یکی از نکات مهم که هر کودکی باید به طور کامل بیاموزد تا رشد طبیعی داشته باشد این است که مستقل گام بردارد و دیگر به کمک‌های مادر متکی نباشد. افسانه‌های سحرآمیز که در کودکی شنیده یا خوانده می‌شود، به کودک این روحیه و شهامت را می‌دهد که از بحرانها، مشکلات و تنگناهای

۱ - «کوخ»، نکاتی درباره ادبیات کودکان، ۳۷.

۲ - «برونو بتلهایم»، کاربردهای افسون، ۱۶۶.

زندگی بگذرد و پرواز مستقل را آغاز کند. افسانه‌ها شکی در ذهن کودک باقی نمی‌گذارند که آدمی به منظور تحقق هویت فردی خود، باید درد و رنج را تحمل کند و موقعیت‌های خطرناک را بر خود هموار سازد. مسلّم است که کودکان نه می‌خواهند و نه می‌توانند وارث قلمرو پادشاهی یک کشور شوند اما کودکی که پیام افسانه را می‌فهمد و آن را در ذهن خویش جای می‌دهد، به طور قطع به قلمرو واقعی درونی خود دست می‌یابد. کودک با شناخت ذهن خود بر قلمرو پهناور آن چیره می‌گردد و در نتیجه ذهن چنان که باید به خدمت او در می‌آید.

افسانه‌ها تصویرهای نمادی خیالی برای حل مسائل ارائه می‌دهند اما در عین حال مسائلی که در این گونه داستانها مطرح می‌شود، یک رشته مشکلات معمولی است مانند نجات و غذایی که کودک به خاطر حسادت برادرها یا خواهرها تحمل می‌کند. (ماه پستانی)

۳- محتوای برخی افسانه‌ها، روابط خانوادگی است (روابط پدر و فرزند، مادر و دختر، فرزندان کوچکتر با بزرگترها) و خواندن این افسانه‌ها وسیله‌ای است برای آشنایی کودکان با بحرانها و مشکلات خانوادگی، نحوه مقابله با آنها، احساس امنیت و اینکه در مواقع لزوم بتوانند روابط عمیق خانوادگی را رها کنند و آزادانه راه خود را در زندگی بیابند. یکی از پیامهای مهم افسانه‌ها این است که انسان هرگز بدون تلاش موفق به انجام کاری نمی‌شود و اگر قهرمانان قصه‌ها همه جا پیروز می‌شوند و از مهلکه‌ها نجات می‌یابند، تنها بدین سبب است که در کار خود، شجاعت، ابتکار و پشتکار به خرج می‌دهند. به همین دلیل «برونو بتلهایم»^۱ روانکاو آلمانی معتقد است که هرچه افسانه خشن تر و بی رحمانه تر باشد، برای رشد روانی کودک مفیدتر خواهد بود، زیرا این قبیل افسانه‌ها به کودک نمی‌گویند که دل نگرانیها، هراسها و خشونتها مهم نیست

و نباید از آنها ترسید بلکه می‌گویند اینها خیلی وحشتناک است اما او نباید نوسید شود زیرا هر انسانی در جهان مجبور به رویارویی با این خطرهایست و شگفت آنکه او نه تنها موفق به نجات خویش خواهد شد، بلکه حتی از پدر و مادر هم پیش خواهد افتاد در حالی که کودک خیال می‌کند بدون پدر و مادر قادر به ادامه زندگی نیست. البته توجه به دو نکته نیز ضروری است یکی این که افسانه پایان خوشی داشته باشد یعنی شخصیت اصلی آن کارش به شکست و ناکامی نینجامد تا بتواند شنونده و خواننده را به آینده امیدوار سازد. دیگر اینکه چنانچه این افسانه‌ها را پدر و مادر کودک نقل کنند، بیشتر مایه دلگرمی و اطمینان خاطر او خواهد شد.

۴- عملکرد مثبت دیگری که برای افسانه‌ها می‌توان قائل شد، ارزش دادن به خیر، نیکی، زیبایی و تربیت اخلاقی کودک و بیان مقابله و تضاد بین خوب و بد، زشت و زیبا و نیرومند و ضعیف است. در افسانه‌ها همیشه خوبی و زیبایی بر بدی و زشتی چیره می‌شود و بدین ترتیب، قانون تضادها در تحول طبیعت و تاریخ به کودک معرفی می‌شود.

در افسانه‌ها، بدی نیز به قدر نیکی در همه جا حاضر است و در غالب شخصیت‌های قصه و اعمال آنها تجسم می‌یابد؛ همان گونه که نیکی و بدی در پهنه زندگی حضور دارند و انسان به سوی این دو گرایش پیدا می‌کند. این دوگانگی موجود در افسانه‌ها، مسأله اخلاق را مطرح می‌سازد و نیز پیشرفت آدمی را به سوی کمال هموار می‌سازد؛ همان کیفیتی که چنانچه انسان در بزرگسالی فاقد آن باشد، دستخوش سرگردانی و نومیدی خواهد گردید. به عبارت دیگر در افسانه‌ها، شخصیت‌ها، دو ارزشی یعنی در یک زمان، هم خوب و هم بد نیستند (آن طور که همه ما در عالم واقع هستیم) بلکه همان گونه که قطبی کردن بر ذهن کودک تسلط دارد، در افسانه‌ها نیز قطبی کردن حاکم است. شخصیت قصه یا سراسر خوب است یا بد؛ پری یا فرشته موجودی کاملاً

خوب است و عجز و جادوگر سراسر بد جنسی و شرارت؛ یک برادر؛ کودن است و برادر دیگر باهوش؛ یک خواهر؛ یا تقوا و سختکوش است و خواهر یا خواهران دیگر، حسود و تنبل. این بینش ساده گرا و خیالی، همان چیزی است که کودک از واقعیت در ذهن خود دارد و به وی امکان می‌دهد که به آسانی خود را در متن قصه قرار دهد و در جای قهرمانهایی که تجسم نیکی هستند، بنشیند و با خطرهای شرارت‌ها مقابله کند. مجموعه‌ای از درسهای اخلاقی مسلم نیز در افسانه‌ها وجود دارد مثل این که صداقت، تقوا و پرهیزگاری بدون پاداش نمی‌ماند و انسان شریر، سرانجام کیفر می‌بیند. به عنوان مثال در افسانه‌های عاشقانه می‌بینیم که فقط عاشق صادق، جوانمرد و بردبار پیروز می‌شود. ناگفته نماند که بازنده بودن این شخصیتهای منفی و اعتقاد به این که خطا و گناه، سودی در بر ندارد از نظر آموزش اخلاقی بسیار بازدارنده‌تر است از مکافات و ترسی که به انسان القا می‌شود. در این افسانه‌های عامیانه هرگز توصیف صحنه‌های عاشقانه و دور از اخلاق مشاهده نمی‌شود و به همین جهت خواندن آنها نه تنها برای کودکان و نوجوانان زیاده‌است بلکه در تلطیف عواطف و احساسات آنها و تحکیم ارزشهای انسانی نقش بسیار مؤثری دارد.

افسانه‌ها تأثیر زیادی در پرورش قوه تخیل و ذوق و ابتکار کودکان دارند. اصولاً تفکرات کودک کم سن و سال مانند تفکرات افراد بزرگسال به طور منظم صورت نمی‌گیرد، چرا که خیالپردازیهای کودک، همان تفکرات اوست و وقتی کودک می‌کوشد تا خود یا دیگران را بفهمد و درک کند یا از نتایج ویژه فلان عمل، سر در بیاورد، پیرامون این مسائل و مطالب خیالبافی می‌کند و این شیوه خاص او در بازی با مفاهیم است. بنابراین قرار دادن شیوه تفکر عقلانی در اختیار کودک به عنوان ابزار اصلی برای تنظیم احساسات او و درک جهان، تنها باعث گمراهی و محدود ساختن وی خواهد شد.

چنان که می‌دانیم، افسانه‌ها در همه زبانها و فرهنگها معمولاً با عباراتی از

فیلم: «یکی بود یکی نبود» و یا «روزی و روزگاری بوده» آغاز می‌شود و از همان شروع زمینی و ساده خود وارد رویدادهای تخیلی شده، در پیچ و خم حوادث، کودک را به سفری در جهان شگفتیها می‌برد، اما جالب اینجاست که در پایان افسانه، با اطمینان بخش‌ترین شیوه او را به عالم واقع بر می‌گردانند. این امر نکته‌ای را به کودک می‌آموزد که در این مرحله از رشد خود، به دانستن آن بسیار نیاز دارد و آن این است که رها کردن عنان تخیل برای مدتی کوتاه زیانی ندارد به شرط آنکه به طور دائم گرفتار آن نشویم. در پایان افسانه هم قهرمان به عالم واقع باز می‌گردد. به عبارت دیگر همان طور که ما از رؤیای خویش سرحال و تر و تاره برمی‌گیریم تا بهتر آماده‌ی مقابله با فشارهای واقعیت باشیم، در پایان افسانه نیز قهرمان به طور طبیعی یا بر اثر جادو به عالم واقع باز می‌گردد به گونه‌ای که به مراتب بهتر از گذشته بتواند زمام زندگی خود را در دست گیرد.

تخیل فعال و سازنده در وجود کودکان و بزرگسالان یکی از مهمترین عوامل موفقیت در زندگی محسوب می‌شود. نه تنها در ادبیات و هنر، بلکه در ریاضی و علوم تجربی و صنعت و ... برای رسیدن به پیشرفت و تکامل، نیازمند خلاقیت و ابتکار هستیم. «کورنی چوکوفسکی»^۱ شاعر روسی معتقد بود که بدون تصورات شگفت‌انگیز افسانه‌ها، علم فیزیک و شیمی هر دو به حال رکود در می‌آمدند. در واقع نوعی از تخیل برای هنرمندان و دانشمندان لازم است. به عنوان مثال ساخت زیردریایی در سالهای اخیر بر اساس داستان تخیلی - علمی «یست هزار فرسنگ زیر دریا» نوشته «ژول ورن» نویسنده فرانسوی، انجام شده است. یک ریاضیدان مخترع و مبتکر نیز به تخیل نیرومند و فعال احتیاج دارد تا بتواند ساختهای جدیدی بیافریند زیرا بدون آن فقط در دایره‌ای به دور خود و افکار گذشته‌اش خواهد چرخید.

۱ - دنیای قصه‌گویی، ۱۶۳.

۲ - سی و نه مقاله درباره ادبیات کودکان، ۲۱۷.

در واقع باید گفت قوه تخیل هر یک از ما گنجینه‌ای گرانبهاست که اغلب به گونه‌ای ساکن و ثابت در وجود ما قرار گرفته است. تجربه نشان داده است که شنیدن و خواندن افسانه‌ها و سایر انواع قصه‌ها، اندک اندک کودکان و بزرگسالان را قادر می‌سازد که خودشان قصه بسازند و بنویسند. اگر آنچنانکه پژوهشگران توصیه می‌کنند، مادران از ۶ ماهگی یا حداکثر ۹ ماهگی، برای کودک خود لالایی بخوانند و قصه بگویند، وی خواهد توانست از حدود ۴ سالگی در مورد اتفاقاتی که برایش پیش آمده قصه بگوید و داستان بسازد و یا قصه‌های ساده‌ای را که قبلاً شنیده بازگو کند. طبیعی است که هر قدر کودک بیشتر قصه شنیده باشد، در ساخت و بازگو کردن قصه‌ها مهارت بیشتری خواهد داشت. «نانسی ملون» قصه‌گوی آمریکایی معتقد است که با الهام گرفتن از افسانه‌های پر ماجرا می‌توانیم نیروی محرک تصورات ذهنی و تخیلات خود را به شیوه شاعران و هنرمندان فعال کنیم و با آفرینش قصه‌های جدید، ابعاد پرورش نیافته یا گمشده وجودمان را کشف کنیم و با ناملايمات زمانه بهتر روبه رو شویم.^۱

به عبارت دیگر، می‌توان گفت برای غنی ساختن زندگی کودک قصه باید علاوه بر سرگرم کردن و تحریک کنجکاو، تخیل او را نیز برانگیزد و به او کمک کند تا فهم و ادراک خود را بالا ببرد و عواطف خویش را منظم سازد. علاوه بر این، قصه باید با نگرانیها و آرزوهای کودک هماهنگ شود تا کودک بتواند به مسائل و مشکلات خود پی ببرد و در همان حال، راه حل‌هایی برای مسائلی که وی را پریشان می‌سازد، بیابد. خلاصه آنکه قصه باید در یک زمان با همه جنبه‌های شخصیت کودک ارتباط حاصل کند بی آنکه هرگز جدی

۱ - پویش، بهار ۱۳۶۸، ۴۰.

۲ - قصه‌گویی و هنر تخیل، ۱۰.

بودن معماهای درونی او را از نظر دور دارد، بلکه بر عکس لازم است آنها را کاملاً باور کند و پا به پای آن اعتماد کودک را به خویش و آینده افزایش دهد. با توجه به این نکات باید گفت در میان انواع ادبیات کودکان، هیچ نوعی به اندازه افسانه‌ها به زندگی کودک و بزرگسال غنا نمی‌بخشد و او را خشنود نمی‌سازد.

۶- برای دستیابی به حداکثر جاذبه‌های تسلی بخش قصه و مفاهیم نمادی و بالاتر از همه درک عوالم و مفاهیم مشترک میان گوینده و شنونده، باید بگوییم که شنیدن افسانه، بهتر از خواندن آن است، زیرا هنگام نقل قصه، گوینده فرصت بهر و بیشتری برای ایجاد انعطاف و تغییراتی در قالب قصه در اختیار خواهد داشت. قصه‌گو هنگام گفتن قصه، عناصری از آن را حذف می‌کند یا عناصری را بر آن می‌افزاید تا قصه را برای خود و برای شنوندگان که با آنها آشنایی کامل دارد، پرمعناتر سازد. در واقع یک عامل مؤثر برای کسب مهارت و موفقیت در قصه‌گویی، همین است که قصه‌گو بتواند زبان قصه را بر وفق روحیه عمومی شنونده تغییر دهد. مثلاً اگر شنونده قصه غمگین است، حداقل یک شخصیت که با حقایق رنج‌آور زندگی دست و پنجه نرم می‌کند، در قصه بیاورد؛ یا اگر قصه‌ای را برای کودک یا بزرگسالی تعریف می‌کند که خنده و شوخی را دوست دارد، قصه نباید غم‌آور باشد. لازم است در صحنه‌های داستان تغییراتی ایجاد نماید.^۱

۷- آخرین سخن این که بسیاری از محققان معتقدند که افسانه‌ها باید حفظ شود زیرا با خواندن و شنیدن این قصه‌ها فرصت ابراز احساسات برای کودکان ایجاد می‌شود. از سوی دیگر افسانه‌ها به کودک و نوجوان کمک می‌کند که به جای والدین و بزرگترها که تکیه گاه‌های قابل اعتماد اما ناپایداری به شمار می‌آیند، بر روی قابلیت‌ها و ظرفیت‌های درونی خود تکیه کند.

بعلاوه افسانه‌ها لذتبخش و زیبا هستند و از آنجا که بچه‌ها هم مثل بزرگترها در لحظاتی نیاز دارند از دنیای واقعی کناره بگیرند، استفاده از این افسانه‌ها برای آنان توصیه می‌شود.^۱

www.ketab.ir